

مشارکت‌پذیری شهروندان تهرانی در حوزه وظایف شهرداری (مطالعه موردی: شهروندان منطقه ۴ شهرداری تهران)

جمال عبدالله پور* - دانشجوی دکترای تخصصی جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

حسن مختارپور - کارشناسی ارشد مدیریت محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.

رجبعلی مختارپور - کارشناس ارشد جغرافیای انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

Tendency to participation of Tehran citizens in the activities domain of municipality (case study: citizens of region 4)

Today, most expert believe that the focused urban management experience is failed and it is impossible without citizen participation. So the attraction of citizens' participation is the main concerns of the urban new managements. Tehran Municipality the one of the major institutions of urban management has adopted the social approach in order to attract the participation of citizens and has taken the basic steps. The present article is aimed to explore the status of Tehran citizens' tendency to participate in doing activities of municipality (case study region 4). Chosen theoretical framework for understanding the effective factors, a framework based on a combination of individual and social factors. The survey method was used to examine the hypothesis. The statistical data analysis techniques such as Pearson correlation, t and F tests and multiple regression analysis was used to analyze data. The research results indicate a moderate level of citizens participation tendency that its changes will be explained with factors such as gender, employment status, knowledge and information on urban affairs, expected rewards of participation, association membership, experience and interest in and desire to live in neighborhoods. Municipality with different measures based on results of this study can enhance citizens' participation willingness, operating these capacities and attract them in doing its activities.

Keywords: participation, tendency to participation, citizens of region four, municipality

امروزه بیشتر صاحب‌نظران حوزه مدیریت شهری، تجربه مدیریت متمرکز شهر را شکست خورده دانسته و آن را بدون مشارکت شهروندان ناموفق ارزیابی می‌کنند. از این رو جلب مشارکت شهروندان یکی از دغدغه‌های اصلی مدیریت‌های نوین شهری محسوب می‌شود. شهرداری تهران یکی از نهادهای مهم مدیریت این کلان‌شهر با اتخاذ رویکردی اجتماعی، گام‌های اساسی در راستای جلب مشارکت شهروندان برداشته است. نظر به اهمیت مشارکت شهروندان در اداره امور شهری و با توجه به راهبردهای شهرداری تهران در این راستا، مقاله حاضر وضعیت مشارکت‌پذیری شهروندان محلات تهران را با مطالعه موردی شهرداری منطقه چهار بررسی نموده است. چارچوب نظری انتخاب شده به منظور شناخت عوامل تأثیرگذار، چارچوبی ترکیبی مبتنی بر عوامل فردی و اجتماعی است. به منظور بررسی تجربی فرضیات تحقیق از روش پیمایش استفاده شده که در تحلیل داده‌ها از تکنیک‌های آماری میانگین، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون T و F و تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. نتایج تحقیق بیانگر متوسط بودن سطح مشارکت‌پذیری شهروندان بوده که تغییرات آن با استفاده از عواملی نظیر جنسیت، وضعیت شغلی، آگاهی و اطلاعات درباره امور شهری، انتظار پاداش از مشارکت، عضویت انجمنی، سابقه سکونت در محله و علاقه و تمایل به آن تبیین می‌شود. شهرداری با انجام اقدامات گوناگون با تکیه بر نتایج این مطالعه می‌تواند تمایلات مشارکتی شهروندان را ارتقاء داده و از ظرفیت‌های آن برای مدیریت بهینه شهر بهره گیرد.

واژگان کلیدی: مشارکت، مشارکت‌پذیری، شهرداری، شهروندان منطقه چهار.

۱- مقدمه

در گذشته، کوچکی اندازه جامعه، تنوع اندک نقش‌های اقتصادی اجتماعی، محدودیت روابط اجتماعی و بی‌سوادی و ناآگاهی بیشتر افراد به همراه تمایلات حاکمان، موجب شد که شهرها به شیوه متمرکز اداره شوند. در جوامع امروزی افزایش جمعیت، تنوع و پیچیدگی نقش‌ها و روابط، افزایش سواد و آگاهی، گسترش رسانه‌های همگانی به همراه هزینه‌های سنگین اقتصادی، اجتماعی اداره متمرکز امور و وجود پشتوانه‌های قانونی، سبب شده است که شیوه‌های مشارکتی در اداره امور شهرها مورد توجه قرار گیرد. امروزه اکثر صاحب‌نظران، تجربه مدیریت شهری متمرکز را شکست خورده دانسته و آن را بدون مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها و تبدیل شهروندان به «شهروندان» غیرممکن می‌دانند. از این رو جلب مشارکت شهروندان یکی از دغدغه‌های اصلی مدیریت‌های نوین شهری محسوب می‌شود که دستیابی به این مهم جز از طریق تلاش علمی و برنامه‌ریزی شده مبتنی بر شناخت کافی از مسأله امکان‌پذیر نیست (علوی تبار، ۱۳۷۹).

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد حیات شهری ایران عاری از ویژگی‌های مدنی و شهروندی بوده است. فقط تصمیمات یک جانبه مرکز سیاسی در اداره امور شهرها چارچوب امور را تعیین می‌نمود. در دوران قبل از مشروطیت، نظام‌های استبدادی مبتنی بر ملوک‌الطوایفی و در زمان انقلاب مشروطیت و بعد از آن گفتمان پاتریمونیالیستی دوران قاجار و گفتمان مدرنیستی دوران پهلوی نحوه اداره امور شهرها را تحت اداره ساخت مرکز سیاسی و در رأس آن پادشاه قرار داد و هرگز برای شکل‌گیری مشارکت‌های مردمی فرصتی فراهم نیاورد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲). با پیروزی انقلاب اسلامی و تأکید قانون اساسی مبنی بر اداره امور کشور با اتکاء به آرای عمومی، گامی تازه در تحقق مشارکت شهروندان در اداره امور شهر برداشته شد. برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی کشور در سال ۱۳۷۸، نخستین گام جدی دولت برای تمرکززدایی و ایجاد نظام‌های محلی اداره امور به شمار می‌رود. شکل‌گیری نهاد شورایی در شهر تهران

و به تدریج در بعضی از شهرهای کشور بعد از برگزاری انتخابات شورای شهر علیرغم محدودیت‌های مواجه شده با آن، از دیگر نمونه‌های مشارکت شهروندی در اداره امور شهری در ایران محسوب می‌شود.

در نتیجه کوشش‌های به عمل آمده، تجربه‌های مفید دیگری نیز در این زمینه در کشور بویژه با تلاش‌های شهرداری تهران ایجاد شده که از جمله آن می‌توان به پروژه شهر سالم و طرح‌های شهردار مدرسه، پیشگامان فضای سبز، محله سالم و استقبال از بهار اشاره نمود که در پی جلب مشارکت‌های مردمی در حوزه تصمیم‌گیری و مدیریت و تأمین نیروی انسانی برای انجام فعالیت‌ها می‌باشند. از جمله کوشش‌های مؤثر دیگر در این رابطه می‌توان به تشکیل اداره کل آموزش و مشارکت‌های مردمی در شهرداری تهران در سال ۱۳۸۵ اشاره نمود. مشاهده می‌شود که روند مدیریت شهری در ایران بویژه بعد از انقلاب اسلامی به سمت مشارکت شهروندان در اداره امور شهر قدم برداشته و زمینه‌های نسبی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر فراهم شده است. در این میان شهرداری تهران یکی از نهادهای مهم مدیریت این شهر با اتخاذ رویکردی اجتماعی و فراهم نمودن زمینه‌ها و ملزومات آن و تأکید بر ناحیه‌محوری و محله‌محوری و اقدامات گوناگون دیگر در راستای جلب مشارکت شهروندان، گام‌های اساسی را برداشته است. نظر به اهمیت مشارکت شهروندان در اداره امور شهری و با توجه به راهبردهای شهرداری تهران در این راستا، مقاله حاضر وضعیت مشارکت‌پذیری شهروندان محلات تهران را با مطالعه موردی شهرداری منطقه ۴ بررسی نموده است. ضرورت بررسی این موضوع از این نظر حائز اهمیت است که نشان می‌دهد با توجه به بسترسازی‌ها و اقدامات به عمل آمده در راستای جلب مشارکت شهروندان در اداره امور شهری؛ میزان مشارکت‌پذیری (تمایل به مشارکت) شهروندان در چه وضعیتی قرار دارد؟ به بیان دیگر شهروندان تا چه حد تمایل دارند که با مدیریت شهری و شهرداری همکاری و در فرایند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت مشارکت داشته باشند؟ به این ترتیب می‌توان به نحو بهتری برای جلب مشارکت

شهروندان و تحقق عینی ظرفیتهای مشارکت‌پذیری آنان اقدام نمود. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت هدف مقاله حاضر بررسی میزان مشارکت‌پذیری (تمایل به مشارکت) شهروندان محلات منطقه ۴ در حوزه فعالیت‌های شهرداری، عوامل مؤثر بر آن و شناخت راهکارهای بهبود آن است.

۲. مبانی مفهومی و نظری

در پاسخ به پرسش‌های تحقیق لازم است که ابتدا معنی و مفهوم مشارکت و گونه‌شناسی‌های آن مشخص شده تا با استفاده از آن، شاخص‌های دقیق و متقن برای سنجش مشارکت‌پذیری (تمایل به مشارکت) شهروندان تعیین شود. سپس نظریات مرتبط با مشارکت به منظور شناخت عوامل مؤثر بر مشارکت‌پذیری و استخراج فرضیات بازکاوی شود. از این رو در ادامه مروری بر ادبیات مفهومی و نظری موضوع خواهیم داشت.

۱-۲. مشارکت و گونه‌شناسی آن

مشارکت اجتماعی دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری در باره امور عمومی است (طوسی، ۱۳۷۰). مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تیریزی، ۱۳۶۹، ص ۱۰۸). واعظ مهدوی و همکاران (۱۳۸۷) به تعاریف گوناگونی از مفهوم مشارکت اشاره می‌کنند، نظیر: ۱. همکاری داوطلبانه شهروندان محلات مختلف شهر در اجرای برنامه‌های همگانی بدون ایفای نقش در طراحی برنامه‌ها، ۲. درگیری شهروندان مختلف شهر در طراحی، اجراء و ارزشیابی برنامه‌ها و بهره‌برداری از منافع آن و ۳. اینکه مشارکت فرایندی فعال است که در آن شهروندان محلات مختلف شهر به عنوان ذینفعانی فهیم و مصمم، نتیجه برنامه را متأثر ساخته و به رشد فردی، گروهی و جمعی می‌رسند. در مجموع می‌توان مشارکت را کنشی آگاهانه، داوطلبانه، جمعی و کم و بیش سازمان‌یافته افراد

و گروه‌ها در جهت اهداف، نیازها و منافع جمعی در همه سطوح کلان، میانی و خرد تعریف نمود.

سنجش دقیق مشارکت و تمایلات مشارکتی شهروندان در اداره امور شهری علاوه بر تعاریف مفهومی آن نیازمند ارائه الگوهای گوناگون است. علوی‌تبار (۱۳۷۹) الگوهای مشارکت را بر حسب سه معیار نوع مشارکت، زمینه مشارکت و سازماندهی مشارکت طبقه‌بندی کرده است. بر حسب نوع مشارکتی که افراد در یک الگو دارند و در واقع برحسب بخشی از انجام فعالیت که در آن سهیم می‌شوند، می‌توان سه الگوی مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت، مشارکت در تأمین مالی هزینه انجام طرح‌ها و مشارکت در تأمین نیروی انسانی لازم برای انجام یک فعالیت خاص را از یکدیگر متمایز ساخت.

در باره الگوهای مبتنی بر زمینه مشارکت باید گفت که به دلیل گستردگی فعالیت‌هایی که توسط مدیریت در شهرها انجام می‌گیرد، زمینه‌های مختلفی از مشارکت را به مانند فعالیت‌های عمرانی (ایجاد خیابان و کوچه، ایجاد میدان‌ها، ایجاد پل و غیره)، امور محیط زیست (ایجاد فضای سبز و زیباسازی شهر و غیره)، امور تأمین ایمنی شهر (ایجاد ایستگاه‌های آتش‌نشانی، رفع خطر از بناها و غیره)، فعالیت‌های نظارتی (نظارت بر حسن انجام قوانین و مقررات مربوط به زندگی شهری)، خدمات شهری (تنظیف معابر و دفع زباله، ارائه خدمات مربوط به غسلخانه و گورستان و غیره) و امور رفاه اجتماعی (تأسیس فرهنگسراها، تأسیس کتابخانه، ایجاد خانه‌های محله و غیره) می‌توان در شهرها شناسایی کرد.

برحسب نوع سازماندهی، می‌توان دو نوع سازماندهی الگوهای مشارکت را از یکدیگر متمایز ساخت. در نوع نخست که اساساً تشکلهای خودجوش و خودانگیخته جامعه را شامل می‌شود؛ سازماندهی بدون توجه به دستاوردهای دانش جدید مدیریت صورت گرفته و مبتنی بر تجربیات شخصی و سنن اجتماعی است. اما در نوع دوم که تشکلهای رسمی یا نسبتاً رسمی و برانگیخته را شامل می‌شود سازماندهی بر مبنای دستاوردهای فنون مدیریتی جدید و با هدف حداکثر کارایی صورت می‌پذیرد. در تحقیق حاضر به منظور سنجش مشارکت‌پذیری (تمایل

به مشارکت) شهروندان در حوزه وظایف شهرداری از دو الگوی نوع و زمینه مشارکت استفاده شده به این معنا که تمایل به مشارکت در چه زمینه‌هایی از وظایف شهرداری و از چه نوع آن (تصمیم‌گیری و مدیریت، نیروی انسانی، تأمین مالی) وجود دارد.

۲-۲. مبانی نظری

نظریه‌پردازان گوناگونی به تبیین مشارکت و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند که هر کدام از نظریات ارائه شده توسط آنان بخشی از واقعیت رفتار مشارکتی و مشارکت‌پذیری را در بر می‌گیرد. تنوع نظریات موجود در این خصوص، پیچیدگی تحلیل و تبیین رفتار مشارکتی را نشان می‌دهد. غفاری و نیازی (۱۳۸۶) با ارائه ماتریسی تلاش کرده‌اند تا دیدگاه‌های نظریه‌پردازان متعددی را که به تبیین و تحلیل مشارکت و مشارکت‌پذیری پرداخته‌اند، نشان دهند. در این کار که ماحصل آن با ایجاد تغییراتی (حذف و اضافه نمودن مواردی دیگر) در جدول شماره یک، نشان داده شده، عوامل گوناگون اثرگذار بر مشارکت، تعیین جهت آن (یعنی تأثیر آن عامل از لحاظ افزایش یا کاهش در میزان مشارکت) و عنوان نظریه‌پرداز مربوطه ذکر گردیده است. از آنجا که این ماتریس توانسته نظریات مهمی را در این خصوص خلاصه و دسته‌بندی نماید و به شیوه مطلوبی مبانی نظری مشارکت را نمایش می‌دهد؛ در تحقیق حاضر تلاش شده که با بهره‌گیری از آن و سوابق تجربی موجود، عوامل مؤثر بر مشارکت‌پذیری استخراج و فرضیات مربوطه تدوین گردد. همانگونه که محتوای ماتریس نشان می‌دهد می‌توان گفت که کنش مشارکتی و مشارکت‌پذیری پدیده‌ای است که با ترکیبی از عوامل گوناگون اجتماعی و ساختاری و ویژگی‌های افراد تبیین می‌شود. هر نظریه می‌تواند بخشی از واقعیت مشارکت را تبیین نماید و مجموعه‌ای از عوامل در تعامل با همدیگر قادر به تبیین کلیت مشارکت و مشارکت‌پذیری هستند که این امر از عهده یک نظریه خاص به تنهایی بر نمی‌آید. از این رو اگر چه ویژگی‌های افراد در شکل‌گیری رفتار مشارکتی مهم می‌باشند اما شرایط ساختاری و اجتماعی نیز تأثیرگذار هستند و بدون فراهم شدن چنین شرایطی

انجام رفتار مشارکتی امکان‌پذیر نیست. با عنایت به مباحثی که مطرح شد رویکردی که این تحقیق در بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت‌پذیری شهروندان در حوزه وظایف شهرداری اتخاذ نموده، رویکردی ترکیبی است به این معنا که هم عوامل اجتماعی و ساختاری و هم ویژگی‌های فردی را در تبیین مشارکت‌پذیری مدنظر قرار داده است. در همین راستا فرضیه‌های ذیل به منظور تبیین مشارکت‌پذیری (تمایل به مشارکت) شهروندان ارائه می‌شوند:

۱. بین جنسیت و مشارکت‌پذیری رابطه وجود دارد؛ ۲.
- بین سن و مشارکت‌پذیری رابطه وجود دارد؛ ۳. بین سطح تحصیلات و مشارکت‌پذیری رابطه وجود دارد؛ ۴. بین درآمد و مشارکت‌پذیری رابطه وجود دارد؛ ۵. بین وضعیت شغلی و مشارکت‌پذیری رابطه وجود دارد؛ ۶. بین آگاهی و اطلاعات و مشارکت‌پذیری رابطه وجود دارد؛ ۷. بین انتظار پاداش از مشارکت و مشارکت‌پذیری رابطه وجود دارد؛ ۸. بین عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها و مشارکت‌پذیری رابطه وجود دارد؛ ۹. بین بی‌قدرتی و مشارکت‌پذیری رابطه وجود دارد؛ ۱۰. بین سابقه زندگی در محله و مشارکت‌پذیری رابطه وجود دارد و ۱۱. بین علاقه و تمایل به محله و مشارکت‌پذیری رابطه وجود دارد.

۳. روش تحقیق

به منظور بررسی تجربی فرضیه‌های تحقیق از روش تحقیق پیمایش مبتنی بر پرسشنامه هدایت شده استفاده شده است. روند کار در ادامه معرفی می‌گردد.

۳-۱. نحوه سنجش متغیرها

۳-۱-۱. متغیر وابسته

متغیر وابسته این تحقیق میزان مشارکت‌پذیری (تمایل به مشارکت) شهروندان در حوزه فعالیت‌های شهرداری منطقه ۴ تهران می‌باشد. همچنان که در مبانی مفهومی اشاره شد، مشارکت ناظر بر انجام کنش است اما مشارکت‌پذیری در برگیرنده تمایلات مشارکتی افراد است. در این تحقیق برای سنجش میزان تمایلات مشارکتی شهروندان در حوزه فعالیت‌های شهرداری، ابتدا چند حوزه فعالیت شهرداری که امکان بهره‌گیری از ظرفیت مشارکت شهروندان در

جدول ۱. عوامل تأثیرگذار بر مشارکت و مشارکت‌پذیری؛ مأخذ: غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۹۹-۹۷ با انجام تغییرات.

عنوان عامل اثرگذار	نوع تأثیر	نظریه پرداز
بی‌قدرتی	-	اولسن، دوایت دین، هانتینگتون و نلسون (علوی تبار، ۱۳۷۹)
سرمایه اجتماعی	+	مولیناس (۱۹۹۸)
ارزیابی مثبت از پاداش‌های مشارکتی	+	شفرد (۱۹۹۸)، آیزن و فیش باین (علوی تبار، ۱۳۷۹)
اطمینان نسبت به نتایج	+	اینگلهارت (۱۳۷۳)، الغنمی (۱۳۷۲)
دانش، حمایت سیاسی و رهبر و مدیران خوب	+	شفرد (۱۹۹۸)، گائوتری (۱۹۸۶)
سطح تحصیلات	+	اینگلهارت (۱۳۷۳)، گائوتری (۱۹۸۶)، ویلسون و مازیک (۱۹۹۷)
هنجارهای اجتماعی مناسب	+	اینگلهارت (۱۳۷۳)
موقعیت اجتماعی اقتصادی مناسب	+	اینگلهارت (۱۳۷۳)، اکسرد (۱۹۵۰)، ویلسون و مازیک (۱۹۹۷)
مهارت‌های ارتباطی و تجارب شغلی	+	اینگلهارت (۱۳۷۳)
شبکه‌های سازمانی	+	اینگلهارت (۱۳۷۳)، لرنر (۱۹۵۸)
دسترسی به رسانه‌های گروهی	+	لرنر (۱۹۵۸)
خودانکایی، مسئولیت‌پذیری و توان ابراز منافع	+	شفرد (۱۹۹۸)
ارزش‌های فرهنگی مناسب	+	کولین (۱۹۸۶)
نابرابری اجتماعی	-	کولین (۱۹۸۶)، گائوتری (۱۹۸۶)
کمبود وقت	-	گائوتری (۱۹۸۶)
قوانین و نهادهای مناسب، کثرت‌گرایی، روحیه دموکراسی و اراده مثبت در نظام سیاسی	+	گائوتری (۱۹۸۶)
فایده و پاداش	+	نظریه انتخاب منطقی (سعیدی، ۱۳۸۲)، هومنز (ریترز، ۱۳۸۳)
انگیزه فرد برای برآوردن توقعات دیگران	+	آیزن و فیش باین (علوی تبار، ۱۳۷۹)
سطح آگاهی و اطلاع	+	طالب (۱۳۷۶)
اجتماعی شدن مناسب	+	مولیناس (۱۹۹۸)، گائوتری (۱۹۸۶)

آنها وجود دارد، تعیین شده و سپس بر اساس شاخص‌های سه‌گانه مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت، مشارکت مالی و تأمین نیروی انسانی، مشخص خواهد شد که در حوزه‌های مرتبط متناسب با شرایط آن حوزه، شهروندان تا چه حد تمایل دارند که بر اساس الگوهای سه‌گانه، فعالیت و مشارکت داوطلبانه داشته باشند. بعضی از حوزه‌های فعالیت شهرداری که میزان تمایل شهروندان نسبت به مشارکت در آنها بررسی می‌شود، عبارتند از^۱:

۱. فعالیت‌های عمرانی نظیر احداث و توسعه معابر، پارکینگ، پارک و مراکز تفریحی، ورزشی و فرهنگی، طرح‌های جمع‌آوری و هدایت آب‌های سطحی؛ ۲. مشارکت مالی با پرداخت به موقع عوارض نوسازی، هزینه‌های اخذ پروانه ساختمانی و حمل زباله؛ ۳. امور اجتماعی و فرهنگی نظیر اداره امور فرهنگسراها، خانه‌های فرهنگ و سایر اماکن فرهنگی، آموزشی و تفریحی شهرداری، کمک به برگزاری مراسم مذهبی و ملی در اماکن عمومی در سطح منطقه، برگزاری برنامه‌های فرهنگی برای گذران اوقات فراغت جوانان، انجام اقدامات لازم به

۱. حوزه‌های فعالیت شهرداری که در اینجا جهت سنجش مشارکت مردم در آن، انتخاب شده‌اند مهمترین حوزه‌های فعالیت شهرداری هستند که امکان مشارکت شهروندان در آن وجود دارد (www.region4.tehran.ir).

منظور ارائه خدمات مشاوره‌ای به خانواده‌ها و جوانان در زمینه مسائل اجتماعی و فرهنگی؛ ۴. رفت و روب معابر منطقه و جمع‌آوری و حمل زباله، برف‌روبی معابر؛ ۵. حفظ و نگهداری پارک‌ها و فضای سبز عمومی، اجرای فضای سبز در محدوده منطقه و غیره؛ ۶. فعالیت‌های آتش‌نشانی و امداد و نجات.

در جدول شماره ۲، گویه‌های مربوط به شاخص‌های سه‌گانه مشارکت‌پذیری نشان داده شده است. گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت بیان شده‌اند که برای هر گویه ۵ پاسخ به صورت گزینه‌های «خیلی کم، کم، تا حدودی، زیاد و خیلی زیاد» تعیین شده و به هر گزینه یک نمره اختصاص می‌یابد که نمره متغیر مشارکت‌پذیری از ترکیب مجموع نمرات گویه‌های سه شاخص به دست می‌آید.

۳-۱-۲. متغیرهای مستقل

متغیر جنسیت (با گزینه‌های مرد و زن)، سن (برحسب سال)، سطح تحصیلات (تعداد سال‌های تحصیلی)، درآمد (متوسط درآمد ماهیانه خانوار برحسب تومان)، وضعیت شغلی (با گزینه‌های شاغل، بیکار، دانشجو، خانه‌دار، بازنشسته و سایر)، عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها (عضو بودن و نبودن) و سابقه زندگی در محله (برحسب سال) عملیاتی و سنجش شده‌اند به منظور سنجش متغیر علاقه و تمایل به محله، گویه «تا چه حد به محله‌تان علاقه و به کمک در حل مسائل و مشکلات آن تمایل دارید؟» با پنج گزینه «خیلی کم، کم، تا حدودی، زیاد و خیلی زیاد» پرسیده شده است.

به منظور سنجش متغیر آگاهی و اطلاعات در حوزه مدیریت شهری، شاخص‌های اطلاعات و آگاهی در رابطه با نهادهای مرتبط با مدیریت شهری در تهران، میزان اطلاع از وظایف شهرداری، آگاهی در رابطه با انتخاب شهردار و آگاهی از سامانه‌های مدیریت شهری ۱۳۷ و ۱۸۸۸ در نظر گرفته شده که نمره پاسخگو در این متغیر، حاصل جمع نمرات استاندارد شده وی در مجموع شاخص‌ها خواهد بود که پایین‌ترین نمره فرد، صفر و بیشترین نمره وی، ۱۰ خواهد بود.

انتظار پاداش از مشارکت به این معناست که فرد وقتی

دست به یک عمل مشارکتی می‌زند، انتظار آن را داشته باشد که این رفتار وی منجر به دستیابی به منفعت و پاداش مادی یا معنوی گردد. برای سنجش این متغیر از پنج گویه که در ادامه خواهد آمد استفاده شده است:

۱. وقتی شهرداری پروژه‌های عام المنفعه مثل کتابخانه یا اماکن ورزشی اجرا کند، هر کسی خواهان آن است که در ساخت آن به نحوی همکاری و مشارکت داشته باشد؛
۲. وقتی شهرداری وظایفش را به نحو احسن انجام ندهد نباید انتظار یاری و کمک، فعالیت و همکاری از طرف شهروندان داشته باشد؛
۳. اگر شهرداری از شهروندان بخواهد که در اموری همکاری کنند زمانی شهروندان حاضر به همکاری هستند که شهرداری برای بهبود وضعیت محله قدم برداشته باشد؛
۴. برای رضای خدا حاضرم در حد امکان در امور محله فعالیت داشته باشم و کسی که در امور محله فعالیت و همکاری داشته باشد،

از احترام و جایگاه در نزد ساکنان محله برخوردار است. در هر یک از این گویه‌ها از پاسخگو خواسته می‌شود که میزان موافقت یا مخالفت خود را با آنها بیان کند. پنج پاسخ به صورت گزینه‌های «خیلی موافقم، موافقم، متوسط، مخالفم و خیلی مخالفم»

برای هر گویه در نظر گرفته شده است که به هر گزینه یک نمره اختصاص می‌یابد و از ترکیب نمرات گویه‌ها، نمره فرد در متغیر بدست خواهد آمد.

در سنجش متغیر بی‌قدرتی از گویه‌های: ۱. پیشامدهای زندگی عمدتاً تصادفی و شانسی هستند؛ ۲. اگر بخت یاری نکند نمی‌توان پیشرفت کرد؛ ۳. من تأثیر چندانی بر پیشامدهای زندگی‌ام ندارم؛ ۴. اغلب احساس می‌کنم تسلط چندانی بر مسیر زندگی‌ام ندارم و ۵. با وجود این همه آدم تأثیرگذار من نمی‌توانم با فعالیت کردن در چیزی، تغییری را ایجاد کنم؛ استفاده شده که شیوه سنجش و نمره‌دهی آن به صورت متغیر انتظار پاداش از مشارکت است.

۳-۲. اعتبار و پایایی معرف ها

معرف‌هایی (گویه‌هایی) که برای اندازه‌گیری مفاهیم فرضیات تهیه شده اند قبل از انجام تحقیق اصلی در طی

جدول ۲. ماتریس عملیاتی منعبیر وابسته (مشارکت‌پذیری شهروندان در حوزه فعالیت‌های شهرداری)

تمایل به مشارکت در تأمین نیروی انسانی طرح‌ها	تمایل به مشارکت در تأمین هزینه مالی طرح‌ها	تمایل به مشارکت در مدیریت و تصمیم‌گیری
<p>در هر یک از فعالیت‌های زیر تا چه حد تمایل دارید مشارکت داشته باشید؟</p> <p>۱. ایجاد فضای سبز و درختکاری، آبیاری درختان و سایر فعالیت‌های مربوط به حفظ و نگهداری فضای سبز</p> <p>۲. شرکت در کلاس‌های آموزش شهروندی شهرداری</p> <p>۳. فعالیت داوطلبانه در برگزاری برنامه‌ها و مراسم و جنگ‌های شادی شهرداری</p> <p>۴. فعالیت داوطلبانه در طرح‌های عمرانی مثل آسفالت محله یا ایجاد اماکن عمومی</p> <p>در محله در صورت خواست شهرداری</p> <p>۵. فعالیت داوطلبانه در نیروهای آتش نشانی و امداد و نجات</p> <p>۶. حضور فعال در مواقع بحران مثل برفروبی و کمک رسانی در مواقع اضطرار</p> <p>۷. امور نظافت و تمیزی محله</p> <p>۸. تفکیک و جداسازی زباله</p>	<p>تا چه حد تمایل دارید در هر یک از امور زیر با شهرداری مشارکت نمایید؟</p> <p>۱. مشارکت مالی در پروژه‌های سرمایه‌گذاری شهرداری در صورت توانایی مالی</p> <p>۲. کمک مالی به منظور اجرای برنامه‌ها و طرح‌های شهرداری در حد توانایی مالی در صورت درخواست شهرداری</p> <p>۳. پرداخت به موقع عوارض نوسازی، پروانه ساختمان، حمل زباله و غیره.</p> <p>۴. در اختیار گذاشتن فضا برای اجرای کلاس‌های آموزشی و سایر برنامه‌هایی که شهرداری برگزار می‌کند در صورتی که توانایی آن را داشته باشید.</p>	<p>نظارت: تمایل به اصلاح دادن هر یک از فعالیت‌های زیر به شهرداری</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. ضعف عملکرد شهرداری ۲. ناکافی بودن نظارت بر حسن انجام پروژه‌های شهرداری ۳. عدم رعایت استانداردها توسط پیمانکاران شهرداری ۴. مشکلات و کمبودها در سطح شهر و محله و پیگیری آن <p>نظرخواهی و مشاورت:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. علاقمندم در صورتی که شهرداری خواهان اخذ نظرات و پیشنهادات شهروندان در مورد انجام بهتر امور شهری باشد از طریق مانند نظرسنجی (تکمیل پرسشنامه کاغذی و اینترنتی) و با صندوق پیشنهادات و انتخابات، فعالیت داشته باشم. ۲. در صورتی که شهرداری در مورد پروژه‌ای که قرار است در محله اجرا کند در مراحل مختلف انجام آن پیشنهادات و ایده‌ها و نظرات شهروندان را جویا شود، علاقمند هستم که اظهار نظر نمایم. ۳. در صورتی که همایش یا جلسه‌ای از طرف شهرداری برای نظرخواهی و مشاورت شهروندان در امور محله تشکیل شود علاقمند خواهم بود که در آن شرکت کنم. <p>سهیام شدن در تصمیم‌گیری:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. در صورتی که شهرداری این امکان را فراهم کند که شهروندان در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی امور محله سهیام باشند، مشتاق به مشارکت در این خصوص هستم. ۲. در صورتی که شهرداری در رابطه با ایجاد فضاهای مورد نیاز محله مثل فضاهای ورزشی، فرهنگی و هنری از شهروندان بخواهد در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی بی‌امون آن سهیام باشند، علاقمند به انجام این کار هستم. ۴. در صورتی که شهرداری امکان تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی را برای شهروندان در برگزاری برنامه‌ها و مراسم و اعیاد مختلف فراهم کند، مشتاق خواهم بود که در این زمینه فعالیت داشته باشم. ۵. در صورتی که شهرداری در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برنامه‌ها و در مجموع اداره اماکن فرهنگی، هنری و ورزشی زیر نظر خودش از آرا و نظر شهروندان استفاده کند، علاقمند به انجام این کار خواهم بود.

از اطمینان از اعتبار و پایایی معرف‌ها، پرسشنامه نهایی تهیه و مقدمات تحقیق اصلی فراهم شد.

۳-۳. جامعه آماری و تعیین حجم نمونه

جامعه آماری این تحقیق افراد ۲۰ ساله و بالاتر ساکن منطقه ۴ تهران (۵۶۹۸۷۳ نفر) هستند که نمونه‌ای به حجم ۴۰۰ نفر با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران از آن انتخاب شد.

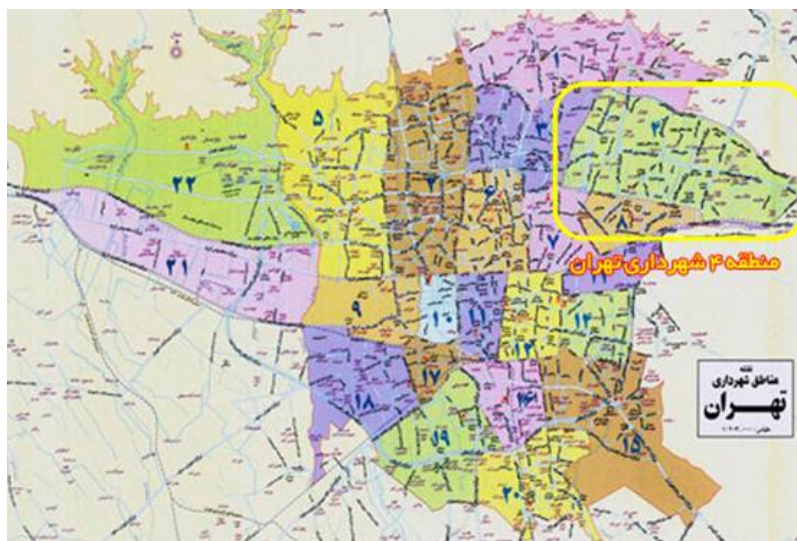
$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} \approx 400 \quad (رفعی‌پور، ۱۳۷۲: ۳۸۳)$$

$$n = \frac{\frac{2^2 (0.5 * 0.5)}{0.05^2}}{1 + \frac{1}{569873} \left(\frac{2^2 (0.5 * 0.5)}{0.05^2} - 1 \right)}$$

پاسخگویان با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۵ مرحله‌ای (۱. تقسیم منطقه ۴ به ۲۰ محله و اختصاص حجم نمونه به محلات به تناسب فراوانی جمعیت ۲۰ سال و بیشتر؛ ۲. تقسیم هر محله به چند بلوک و تقسیم حجم نمونه اختصاص داده شده به آن محله بطور مساوی بین بلوک‌ها؛ ۳. تقسیم هر بلوک به چند واحد (کوچه، خیابان اصلی و فرعی) و انتخاب چند واحد به طور تصادفی و انتخاب یک پاسخگو در هر واحد؛ ۴. انتخاب سمت راست یا چپ واحد و سپس یکی از دو بخش ابتدا یا انتهای آن واحد و انتخاب یکی از منازل مسکونی به طور منظم و ۵. انتخاب یکی از افراد واجد شرایط در آن

مطالعات مقدماتی و پیش‌آزمون از لحاظ داشتن اعتبار و پایایی مورد نیاز، مورد ارزیابی واقع شده اند و از اعتبار و پایایی لازم برخوردار هستند. برای ارزیابی اعتبار معرف‌ها از شیوه دآوری اجتماع علمی استفاده شده است. بر اساس این شیوه ارزیابی اعتبار، ابتدا برای هر یک از مفاهیم فرضیات، معرف‌هایی (گویه‌هایی) تهیه شد و سپس در مورد این معرف‌ها با تعدادی از افراد صاحب‌نظر در این زمینه مشورت کرده و پس از بحث و بررسی در مورد آنها، معرف‌هایی حذف و اضافه شدند. بعد از اطمینان از اعتبار معرف‌ها به ارزیابی پایایی آنها پرداختیم که در این زمینه از روش آلفای کرونباخ، استفاده شده است. بدین منظور ابتدا معرف‌هایی که از لحاظ اعتبار ارزیابی شده بودند در قالب یک پرسشنامه، تدوین شده و سپس با استفاده از آن در یک پیش‌آزمون با ۳۰ نفر

مصاحبه شد. بعد از ارزیابی گویه‌ها با استفاده از آلفای کرونباخ، تعدادی از گویه‌ها حذف شدند همچنین با استفاده از تجربیات بدست آمده اشکالات و ناهمواریهای سوالات و گویه‌ها برطرف گردید. میزان آلفای کرونباخ سه شاخص مشارکت‌پذیری (مدیریت و تصمیم‌گیری: ۰,۸۸، مشارکت مالی: ۰,۸۲ و تأمین نیروی انسانی: ۰,۸۴)، انتظار پاداش از مشارکت: ۰,۶۲ و احساس بی‌قدرتی: ۰,۸۰ است که حاکی از مقبولیت آنهاست. پس



نقشه ۱. موقعیت منطقه ۴ در نقشه شهر تهران؛ مأخذ: پایگاه اطلاع‌رسانی شهرداری منطقه ۴.

منزل به طور تصادفی و مصاحبه با وی) انتخاب شده‌اند. نقشه ۱ موقعیت منطقه ۴ را در نقشه شهر تهران را نشان می‌دهد.

۳-۴. تجزیه و تحلیل داده ها

جهت تحلیل داده‌ها متناسب با سطح سنجش آنها در سطح تحلیل توصیفی، از آماره‌های میانگین و انحراف استاندارد و در سطح تحلیل تبیینی، از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی، تکنیک‌های آماری چند متغیره تحلیل رگرسیون و تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

در این بخش از مقاله ابتدا تحلیل توصیفی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته و سپس تحلیل تبیینی (آزمون فرضیات) ارائه می‌شود.

۴-۱. تحلیل توصیفی

۳۴ درصد پاسخگویان زن و ۶۶ درصد آنها مرد بودند. میانگین سنی پاسخگویان در حدود ۴۶ سال و انحراف معیار آن، ۱۴٫۸۴ است. حداقل سن پاسخگویان، ۲۰ و حداکثر آن ۸۸ سال است. ۶ درصد پاسخگویان بیسواد، ۳۲٫۸ درصد زیر دیپلم، ۳۱٫۳ درصد دارای دیپلم و ۲۹٫۸ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی در مقاطع مختلف هستند. میانگین درآمد متوسط خانوار پاسخگویان، ۵۷۵۶۶۱ تومان و انحراف معیار آن، ۲۷۸۲۷۳ است. کمترین میزان درآمد متوسط خانوار، ۱۵۰۰۰۰ و بیشترین آن، دو میلیون تومان است. درآمد متوسط ۵۰۰۰۰۰ تومانی دارای بیشترین فراوانی (۱۳٫۵ درصد) است. ۱۶٫۸ درصد از پاسخگویان در نهادها، انجمن‌ها، گروه‌ها، تشکله‌ها و محافل عضویت دارند در حالیکه ۸۳٫۳ درصد عضویتی در چنین نهادهائی ندارند. از نظر وضعیت شغلی، ۳۶ درصد پاسخگویان شاغل، ۸ درصد بیکار، ۳٫۸ درصد دانشجو، ۲۶ درصد خانه‌دار، ۱۵٫۸ درصد بازنشسته و ۱۰٫۵ جزو گزینه سایر هستند. میانگین آگاهی و اطلاعات پاسخگویان در حوزه مدیریت

شهری بر روی طیف (۱۰-۰)، ۵٫۰۱ (انحراف معیار ۱٫۸۷) است. در مجموع می‌توان اظهار کرد که میزان شناخت و آگاهی به امور شهری در سطحی متوسط قرار دارد. میانگین انتظار پاداش از مشارکت بر روی طیف (۱۰-۰)، ۷٫۱۴ (انحراف معیار ۱٫۴) است. از این رو می‌توان گفت که شهروندان، در سطح بالایی انتظار دارند که نتیجه مشارکت بایستی دربردارنده پاداش و منفعت باشد. میانگین متغیر احساس بی قدرتی بر روی طیف (۱۰-۰)، ۳٫۲۳ (انحراف معیار ۱٫۴۵) است. همچنان که میانگین متغیر احساس بی قدرتی نشان می‌دهد، احساس ناتوانی شهروندان در سطح پایینی قرار دارد. میانگین سابقه سکونت پاسخگویان در محله، در حدود ۱۷ سال (انحراف معیار آن ۱۲٫۰۴) است. حداقل سابقه سکونت پاسخگویان در محله، یک سال و حداکثر آن، ۶۲ سال است. ۹٫۳ درصد پاسخگویان سابقه سکونت ۳۰ ساله در محله فعلی دارند. علاقه و تمایل به محله از جمله متغیرهای مهمی است که می‌تواند در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای حل مشکلات و نارسایی‌های محله و بهبود آن مدنظر قرار گیرد. میانگین علاقه پاسخگویان به محله و تمایل به حل مشکلات و مسایل آن بر روی طیف (۵-۱)، ۴٫۱۰ (انحراف معیار ۰٫۹۸) است که میزان علاقه و تمایل بالای پاسخگویان به محله‌شان را نشان می‌دهد.

بعد از توصیف متغیرهای مستقل به تحلیل توصیفی متغیر وابسته مشارکت‌پذیری (تمایل به مشارکت) می‌پردازیم. همانطور که در ابتدای مقاله اشاره شد یکی از اهداف آن بررسی این موضوع است که شهروندان منطقه ۴ در حوزه فعالیت‌های شهرداری تا چه حد مشارکت‌پذیر هستند یا به عبارتی دیگر، در این حوزه‌ها با توجه به ابعاد سه‌گانه و در کل تا چه حد تمایل به مشارکت دارند تا شهرداری بر اساس این پتانسیل بتواند سیاست‌های مورد نیاز را در جهت جلب مشارکت شهروندان پی‌ریزی کند. جدول شماره سه، وضعیت مشارکت‌پذیری شهروندان منطقه را به تفکیک نوع مشارکت نشان داده است. بر اساس نتایج ارائه شده در این جدول، وضعیت تمایل به مشارکت در مدیریت و تصمیم‌گیری در حوزه فعالیت‌های شهرداری در حالت متوسطی قرار دارد.

جدول ۳. وضعیت مشارکت‌پذیری شهروندان منطقه ۴ تهران در حوزه وظایف شهرداری به تفکیک نوع مشارکت‌پذیری؛ ماخذ: نگارندگان.

آماره‌ها	تصمیم‌گیری و مدیریت	تأمین هزینه مالی	تأمین نیروی انسانی	مشارکت‌پذیری (کل)
میانگین (۱۰-۰)	۵,۷۶	۳,۳۲	۴,۷۲	۴,۷۸
انحراف استاندارد	۱,۸۸	۲,۴	۲,۰۳	۱,۷۲

تمایل مشارکت شهروندان در زمینه مدیریت و تصمیم‌گیری اگرچه دارای اهمیت فراوانی است اما اداره امور شهر نیازمند همکاری‌ها و کمک‌های مالی شهروندان نیز می‌باشد. بخش مهمی از مشارکت و همکاری شهروندان در زمینه مشارکت‌های مالی، پرداخت عوارض است که هر چند اجباری است اما پرداخت به موقع آن و اینکه شهروند خود را ملزم به پرداخت آن بداند، به نظر می‌رسد که شاخص مهمی در مشارکت مالی است. شهرداری بر جلب مشارکت شهروندان در زمینه پرداخت به موقع عوارض و فرهنگ سازی در این زمینه تأکید دارد تا جایی که شهروندان خوش حساب در پرداخت به موقع عوارض مشمول جوایزی از طرف شهرداری می‌شوند. با توجه به میانگین این بعد، ظرفیت مشارکت‌پذیری شهروندان در حوزه مالی در سطح پایینی قرار دارد و در مقایسه با تمایل شهروندان به مشارکت در مدیریت و تصمیم‌گیری پایین است.

۲-۴. تحلیل تبیینی

بخش حاضر به تحلیل و بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته می‌پردازد به این معنا که نقش متغیرهای مستقل را به عنوان عوامل مؤثر در تغییرات مشارکت‌پذیری (تمایل به مشارکت) مورد کاوش قرار می‌دهد. از این رو در دو زیربخش آزمون فرضیات که مبتنی بر تحلیل دو متغیره است و سپس جهت تشریح روابط موجود و دستیابی به تبیینی دقیقتر، تحلیل چند متغیره ارائه خواهد شد.

۴-۲-۱. آزمون فرضیات

در جدول شماره چهار، اطلاعات مربوط به آزمون فرضیات نشان داده شده است.

رابطه جنسیت و مشارکت‌پذیری: میانگین مشارکت‌پذیری پاسخگویان مرد، ۴,۷۹ و زنان، ۴,۵۸ است که با توجه به سطح معنی‌داری ارائه شده در جدول شماره چهار، می‌توان گفت فرضیه تأیید شده و جنسیت به عنوان عاملی مؤثر در تبیین تغییرات مشارکت‌پذیری محسوب می‌شود.

رابطه بین سن و مشارکت‌پذیری: همچنان که در جدول شماره چهار، مشاهده می‌شود بین این دو متغیر هیچگونه رابطه معناداری وجود ندارد و نمی‌توان گفت که سن عامل مؤثری در تبیین مشارکت‌پذیری شهروندان منطقه چهار

و زمینه مدیریت و تصمیم‌گیری اگرچه دارای اهمیت فراوانی است اما اداره امور شهر نیازمند همکاری‌ها و کمک‌های مالی شهروندان نیز می‌باشد. بخش مهمی از مشارکت و همکاری شهروندان در زمینه مشارکت‌های مالی، پرداخت عوارض است که هر چند اجباری است اما پرداخت به موقع آن و اینکه شهروند خود را ملزم به پرداخت آن بداند، به نظر می‌رسد که شاخص مهمی در مشارکت مالی است. شهرداری بر جلب مشارکت شهروندان در زمینه پرداخت به موقع عوارض و فرهنگ سازی در این زمینه تأکید دارد تا جایی که شهروندان خوش حساب در پرداخت به موقع عوارض مشمول جوایزی از طرف شهرداری می‌شوند. با توجه به میانگین این بعد، ظرفیت مشارکت‌پذیری شهروندان در حوزه مالی در سطح پایینی قرار دارد و در مقایسه با تمایل شهروندان به مشارکت در مدیریت و تصمیم‌گیری پایین است.

شهرداری صرفاً به مشارکت‌های شهروندان در زمینه مدیریت و تصمیم‌گیری و مشارکت مالی اکتفا نموده و بدون مشارکت‌های شهروندان در زمینه تأمین نیروی انسانی نیز نمی‌تواند بخشی از وظایف خود را به نحو بهتری به پیش برد. آنچه در تأمین نیروی انسانی مدنظر است توان فیزیکی شهروندان است و نه همفکری آنان. با توجه به میانگین تمایل به مشارکت شهروندان در این زمینه، مشارکت‌پذیری شهروندان در مقایسه با دیگر حوزه‌ها، بیشتر از حوزه مالی و کمتر از حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری است و به طور کلی در حد پائینی قرار دارد. میزان مشارکت‌پذیری شهروندان که ترکیبی از ابعاد سه‌گانه است دلالت بر آن دارد که در مجموع شهروندان این منطقه تمایل متوسطی به مشارکت و همکاری در

جدول ۴. آزمون فرضیات (متغیر وابسته: مشارکت‌پذیری (سطح سنجش فاصله‌ای))

تیمایل به محله	سابقه زندگی در محله	پی‌قدرتی	عضویت انجمنی	انتظار پاداش از مشارکت	اطلاعات آگاهی و	وضعیت شغلی	درآمد	تحصیلات	سن	جنسیت	سطح سنجش متغیر
فاصله‌ای	فاصله‌ای	فاصله‌ای	اسمی	فاصله‌ای	فاصله‌ای	اسمی	فاصله‌ای	فاصله‌ای	فاصله‌ای	اسمی	سطح سنجش متغیر
r	r	r	t	r	r	f	r	r	r	t	روش آزمون
۰,۲۸	۰,۰۹	۰,۰۰	۵,۰۳	۰,۲۷	۰,۱۲	۴,۰۳	۰,۱۰	-۰,۰۲	۰,۰۰	۲,۶۷	مقدار ضریب / آزمون
۰,۰۰	۰,۰۶	۰,۸۹	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۷	۰,۶۲	۰,۹۱	۰,۰۰	سطح معنی‌داری
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۳۲۲	۳۹۹	۴۰۰	۴۰۰	تعداد
تائید	رد	رد	تائید	تائید	تائید	تائید	رد	رد	رد	تائید	تائید یا رد

معناداری وجود دارد به این معنا که هرچه بر میزان سطح آگاهی و اطلاعات شهروندان منطقه چهار در امور شهری افزوده می‌شود، میزان تمایل به مشارکت آنها در حوزه فعالیت‌های شهرداری افزایش می‌یابد. بر این اساس فرضیه تأیید می‌شود و می‌توان گفت که سطح آگاهی و اطلاعات یکی از عوامل مؤثر بر تمایلات مشارکتی شهروندان در حوزه فعالیت‌های شهرداری بوده و قادر به تبیین تغییرات تمایلات مشارکتی در این منطقه می‌باشد.

رابطه بین انتظار پاداش از مشارکت و مشارکت‌پذیری: نتایج ارائه شده در جدول شماره چهار، نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد به این معنا که هرچه افراد انتظار پاداش بیشتری از مشارکت داشته باشند بر تمایلات مشارکتی آنها افزوده خواهد شد و بنابراین فرضیه تأیید می‌شود.

رابطه بین عضویت فرد در گروه‌ها و سازمان‌ها و مشارکت‌پذیری: میزان مشارکت‌پذیری شهروندانی که دارای عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها هستند، ۵,۷۲ و افرادی که چنین عضویتی ندارند، ۴,۶۰ است. نتایج حاصل از اجرای آزمون t در جدول شماره چهار، بیانگر معنادار بودن این تفاوت بین دو گروه است. بر این اساس عضویت افراد در گروه‌ها، انجمن‌ها، تشکل‌ها، نهادهای

محسوب می‌شود.

رابطه بین سطح تحصیلات و مشارکت‌پذیری: نتایج ارائه شده در جدول شماره چهار، بیانگر رابطه‌ای معکوس و بسیار ضعیف و غیرمعنی‌دار بین دو متغیر است و فرضیه رد می‌شود.

رابطه بین درآمد و مشارکت‌پذیری: با توجه به نتایج حاصل از آزمون این فرضیه در جدول شماره چهار، متغیر متوسط درآمد ماهیانه خانوار تأثیر معنی‌داری در میزان مشارکت‌پذیری شهروندان در حوزه فعالیت‌های شهرداری ندارد. بنابراین این فرضیه رد می‌شود.

رابطه بین وضعیت شغلی و مشارکت‌پذیری: با اجرای تحلیل واریانس یکطرفه برای بررسی تفاوت میانگین مشارکت‌پذیری سه گروه شاغلین، خانه‌دارها و بازنشسته‌ها (جدول شماره چهار) که به ترتیب ۵,۰۱، ۴,۴۱ و ۴,۸۴ می‌باشد؛ مشاهده می‌شود که گروه‌های مذکور تفاوت معناداری با همدیگر در تمایل به مشارکت در حوزه فعالیت‌های شهرداری دارند. بر این اساس وضعیت شغلی بر میزان مشارکت‌پذیری تأثیر داشته و فرضیه تأیید می‌شود.

رابطه بین سطح آگاهی و اطلاعات و مشارکت‌پذیری: همانطور که نتایج ارائه شده در جدول شماره چهار نشان می‌دهد بین دو متغیر رابطه

سازمان‌ها و محافل عامل مؤثری در تبیین تغییرات مشارکت‌پذیری شهروندان است.

رابطه بین احساس بی‌قدرتی و مشارکت‌پذیری: با توجه به نتایج ارائه شده در جدول شماره چهار، هیچگونه رابطه معناداری بین دو متغیر وجود ندارد. از این رو فرضیه رد می‌شود.

رابطه بین سابقه زندگی در محله و مشارکت‌پذیری: همانطور که نتایج ارائه شده در جدول شماره چهار نشان می‌دهد هیچگونه رابطه معناداری بین دو متغیر وجود ندارد. از این رو می‌توان گفت که سابقه زندگی شهروندان منطقه چهار در محله‌شان به عنوان عامل مؤثری که قادر به تبیین تغییرات تمایلات مشارکتی آنها در حوزه فعالیت‌های شهرداری باشد، نیست.

رابطه بین علاقه و تمایل به محله و مشارکت‌پذیری: بر اساس نتایج ارائه شده در جدول شماره چهار، بین دو متغیر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بنابراین فرضیه تأیید می‌شود. از این رو می‌توان گفت که با افزایش میزان علاقه شهروندان منطقه چهار به محله و تمایل به کمک در حل مسائل آن، بر تمایل آنها به مشارکت در حوزه فعالیت‌های شهرداری می‌افزاید. با توجه به این موضوع، متغیر علاقه و تمایل به محله، قادر به تبیین تغییرات تمایلات مشارکتی می‌باشد.

صورت‌های تحلیل رگرسیون، تحلیل رگرسیون چندگانه است (ساعی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۲-۱۵۱). «رگرسیون چندگانه در برگرفته یک متغیر وابسته (متغیر معیار) و دو یا چند متغیر مستقل (پیش‌بینی کننده) است. به کارگیری بیش از چند متغیر پیش‌بینی کننده، معمولاً دقت پیش‌بینی را افزایش می‌دهد. ضرایب همبستگی چندگانه (R) نشان دهنده رابطه بین متغیر معیار و جمع وزنی از متغیرهای پیش‌بینی کننده است. در نتیجه R^2 معرف مقدار واریانس متغیر معیار (وابسته) است که بوسیله ترکیبی از متغیرهای پیش‌بینی کننده تبیین می‌شود» (تامس و نلسون، ۱۳۸۶، ص ۲۰۹). در تحلیل های دو متغیره فقط متغیرهای جنسیت، سطح آگاهی و اطلاعات، انتظار پاداش از مشارکت، عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها و علاقه و تمایل به محله با مشارکت‌پذیری دارای رابطه خطی و معنادار بودند. از این رو فقط این متغیرها برای انجام تحلیل رگرسیونی با روش گام به گام^۲ وارد دستگاه رگرسیونی شدند. بعد از اجرای تحلیل رگرسیون، متغیرهای جنسیت و سطح آگاهی و اطلاعات به دلیل عدم رابطه معنادار با مشارکت‌پذیری در تحلیل رگرسیون از تحلیل خارج شده و از متغیرهای باقی مانده در تحلیل، مناسب‌ترین مدل برای تبیین و پیش‌بینی تمایلات مشارکتی انتخاب شد. در جدول شماره پنج، خلاصه مدل رگرسیونی نشان داده شده است.

جدول ۵. خلاصه مدل رگرسیونی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

معنی داری	F	خطای استاندارد پیش‌بینی	R^2 تعدیل یافته	R^2	R
۰,۰۰	۲۰,۵۱	۱,۵۷	۰,۱۶	۰,۱۷	۰,۴۱

۴-۲-۲. تحلیل رگرسیون چندگانه

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول شماره پنج، این متغیرها، ۱۶ درصد تغییرات مشارکت‌پذیری شهروندان را در حوزه فعالیت‌های شهرداری تبیین می‌کنند. به منظور نشان دادن تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل از ضریب رگرسیون استفاده می‌شود. «ضرایب رگرسیون جزئی نشان دهنده مقدار تأثیر مستقل هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته است. با استاندارد کردن ضرایب رگرسیون

در آزمون فرضیات، فقط به بررسی روابط دو متغیره پرداختیم. با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه می‌توان به فهم ماهیت روابط دومتغیره و تبیین علی و معنادار شایسته دست یافت و آن روابط را تشریح کرد. تحلیل رگرسیون به تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیر یا متغیرهای مستقل می‌پردازد. یکی از

۱. دو متغیر جنسیت و عضویت در انجمن‌ها و گروه‌ها متغیر خطی نبوده لیکن چون دوشقی هستند می‌توان آنها در معادلات رگرسیونی وارد کرد.

جدول ۶. ضرایب رگرسیون متغیرهای وارد شده در مدل تحلیل رگرسیونی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

متغیرها	ضرایب غیراستاندارد B	ضرایب استاندارد شده Beta	T	معنی داری
مقدار ثابت	۰,۹۱	-	۱,۷۷	۰,۰۷
علاقه و تمایل به محله	۰,۳۸	۰,۲۲	۴,۶۴	۰,۰۰
انتظار پاداش از مشارکت	۰,۲۷	۰,۲۲	۴,۷۴	۰,۰۰
عضویت انجمنی	۰,۷۴	۰,۱۶	۳,۳۷	۰,۰۰
جنسیت پاسخگو	۰,۳۶	۰,۱۰	۲,۱۱	۰,۰۴

می توان گفت که کدام متغیر دارای بیشترین تأثیر است» (دواس، ۱۳۸۳، ص ۲۱۴). نتایج ارائه شده در جدول شماره شش نشان می دهد هر کدام از متغیرهای مستقل مذکور چه تأثیری بر مشارکت پذیری دارند و آن را چگونه پیش بینی می کنند.

برای آن که به نحو بهتری بتوان در مورد تأثیر هر یک از متغیرها بحث کرد، از ضریب رگرسیون استاندارد شده بتا استفاده می کنیم؛ زیرا ضریب غیراستاندارد B، بر اساس واحد شمارش هر یک از متغیرهاست بر این اساس ضریب استاندارد، همه متغیرها را از لحاظ واحد شمارش یکسان کرده و تصمیم گیری در باره تأثیر هر یک از آنها مشخص تر است. اگر هر یک از متغیرهای مستقل را به ترتیبی که در جدول وارد شده، با حرف Xi و متغیر مشارکت پذیری را با حرف Y نشان دهیم، معادله استاندارد شده تحلیل رگرسیون به صورت زیر خواهد بود:

$$Y = 0.22(X_1) + 0.22(X_2) + 0.16(X_3) + 0.10(X_4)$$

بر اساس این معادله مشاهده می شود که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در علاقه و تمایل به محله، در حدود مقدار ۲۲ صدم واحد انحراف استاندارد با کنترل تأثیر دیگر متغیرهای مستقل وارد شده در معادله، بر میزان مشارکت پذیری یا تمایل شهروندان به مشارکت در حوزه فعالیت های شهرداری افزوده می شود. معادله نشان می دهد که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در اینکه شهروندان انتظار دارند که مشارکت منتهی به

پاداش گردد، بر میزان مشارکت پذیری آنها در حوزه فعالیت های شهرداری در صورتی که اثر دیگر متغیرهای مستقل وارد شده در معادله کنترل شود، نزدیک به ۲۲ صدم واحد انحراف استاندارد افزوده می گردد. بر اساس معادله رگرسیونی ارائه شده، شهروندانی که در گروه ها، انجمن ها، سازمان ها، نهادها و تشکل ها عضویت دارند، در صورتی که اثر دیگر متغیرهای وارد شده در مدل را کنترل کنیم، در حدود ۱۶ صدم واحد انحراف استاندارد بر میزان تمایل شان به مشارکت در حوزه فعالیت های شهرداری افزوده می گردد. در مورد جنسیت شهروندان باید گفت میزان مشارکت پذیری مردان، یک دهم واحد انحراف استاندارد میزان با کنترل اثر دیگر متغیرهای مدل افزایش می یابد. در میان متغیرهای وارد شده در مدل، علاقه و تمایل به محله و انتظار پاداش از مشارکت، بیشترین و جنسیت پاسخگو، کمترین اثر را بر میزان مشارکت پذیری دارند در صورتی که تأثیر دیگر متغیرها را کنترل کنیم.

۵. نتیجه گیری و جمع بندی

مشارکت پذیری یا تمایل شهروندان به مشارکت در حوزه فعالیت های شهرداری از جمله موضوعات مهمی است که سیاست گذاران و برنامه ریزان شهرداری در راستای جلب مشارکت شهروندان باید آن را مدنظر داشته باشند. تمایل به مشارکت از این لحاظ با اهمیت تلقی می شود که این امر به عنوان ظرفیت و پتانسیلی بالقوه مطرح بوده که با سیاست گذاری و برنامه ریزی مناسب می توان آن را به حالت بالفعل درآورده که نتیجه و حاصل آن رفتارهای مشارکتی است. مشارکت پذیری شهروندان منطقه چهار

در حوزه فعالیت‌های شهرداری با استفاده از چارچوب‌های مفهومی موجود و حوزه‌های فعالیت شهرداری در سه بعد تمایل به مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت، تأمین مالی و تأمین نیروی انسانی بررسی شد. نتایج تحقیق نشان داد که میزان تمایل شهروندان به مشارکت از لحاظ مدیریت و تصمیم‌گیری در حوزه فعالیت شهرداری اگرچه نسبت به تمایل به مشارکت در تأمین مالی و نیروی انسانی بیشتر است اما در مجموع میزان تمایل به مشارکت در هیچکدام از این ابعاد بالا نیست. این میزان در تصمیم‌گیری و مدیریت در سطحی متوسط، در تأمین نیروی انسانی؛ متوسط به پایین و در در زمینه تأمین مالی در سطح پایینی قرار دارد. در مجموع می‌توان اظهار کرد که میزان مشارکت‌پذیری در حوزه فعالیت‌های شهرداری در سطح متوسطی قرار دارد. شهروندان بیشتر دوست دارند که از لحاظ مشارکت در مدیریت و تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند تا مشارکت در تأمین نیروی انسانی و تأمین مالی. از این رو شهروندان بیشتر علاقمند به این موضوع هستند که در حوزه فعالیت‌های شهرداری در صورتی که نیاز باشد، نظارت داشته باشند، در صورتی که نظرات و ایده‌های آنها خواسته شود اظهار نظر بکنند و همچنین در صورتی که شهرداری خواهان آن باشد در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در حوزه فعالیت‌های شهرداری سهیم باشند؛ اما نکته‌ای که لازم است در اینجا به آن اشاره شود این است که این تمایل در سطح بالایی قرار ندارد و این نیازمند اتخاذ سیاست‌های متناسب با وضع موجود در جهت ارتقاء آن می‌باشد. در هر صورت ظرفیت مشارکت‌پذیری شهروندان در این حوزه در خور اهمیت است زیرا آنچه که مشارکت شهروندان در اداره امور شهر را مهم جلوه می‌دهد، تأکید بر درگیر کردن شهروندان در این حیطه می‌باشد زیرا این شهروندان هستند که بهتر می‌توانند در تصمیم‌گیری و مدیریت امور خود و بهبود وضعیت محله نقش بسزایی داشته باشند و همکاری شهروندان در دیگر ابعاد مشارکتی در مراتب بعدی اهمیت قرار دارد. ظرفیت موجود این امیدواری را ایجاد می‌کند که شهرداری بر تقویت و استفاده آن اقدامات بیشتری را انجام دهد که اینک شهرداری از لحاظ بکارگیری ظرفیت شهروندان در

این حوزه در شورایی‌ها توانسته به موفقیت‌های زیادی در حوزه فعالیت‌هایش دست یابد. به طور کلی شهرداری بایستی ضعف موجود در میزان مشارکت‌پذیری شهروندان را با توجه به عوامل مؤثر بر آن و بسترهای موجود تقویت و تمایل آنها را عملی نماید.

نتایج حاصل از بررسی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت‌پذیری شهروندان که برگرفته از ادبیات نظری و تحقیقات و مطالعات پیشین مرتبط با مشارکت بوده، نشان داد که جنسیت، وضعیت شغلی، سطح آگاهی و اطلاعات در باره امور شهری، انتظار پاداش از مشارکت، عضویت در انجمن‌ها، گروه‌ها، نهادها، سازمان‌ها، تشکله‌ها و محافل و علاقه و تمایل به محله قادر به تبیین تغییرات مشارکت‌پذیری شهروندان منطقه چهار در حوزه فعالیت‌های شهرداری هستند. تحلیل‌های چندمتغیره نیز نشان داد که این روابط به قوت خود باقیست. از این رو، با اتخاذ رویکردهای متناسب می‌توان نقش هر یک از این عوامل را تقویت نموده تا میزان تمایل به مشارکت شهروندان را ارتقاء داده و در نهایت چنین تمایلاتی به رفتار مشارکتی بینجامد.

در میان دو گروه مردان و زنان، مردان تمایل بیشتری به مشارکت در حوزه فعالیت‌های شهرداری دارند. در چرایی اینکه چرا مردان بیشتر از زنان دارای تمایلات مشارکتی هستند، می‌توان گفت که چنین وضعیتی ممکن است متأثر از حضور بیشتر مردان در فعالیت‌های بیرون از منزل و مرتبط با امور شهری باشد که چنین فرصتی برای زنان کمتر پیش می‌آید.

در میان وضعیت‌های شغلی، افراد شاغل بیش از بازنشسته‌ها و نیز بازنشسته‌ها بیش از خانه‌دارها از تمایلات مشارکتی در حوزه فعالیت‌های شهرداری برخوردار هستند. بر این اساس توجه به وضعیت‌های شغلی افراد در تقویت رفتارهای مشارکتی ضروریست. آگاهی و اطلاعات شهروندان در باره امور شهری رابطه مستقیمی با مشارکت‌پذیری داشت. اگرچه بین مشارکت‌پذیری و سطح تحصیلات شهروندان رابطه معناداری وجود نداشت لیکن با بررسی رابطه بین سطح تحصیلات و آگاهی و اطلاعات ($R=0.29$ و $\text{sig}=0.00$) می‌توان ادعان داشت

که سطح تحصیلات عامل مؤثری در افزایش سطح آگاهی در باره امور شهری است و آگاهی نیز به نوبه خود بر مشارکت‌پذیری تأثیرگذار است. از این رو توجه به مقوله سطح تحصیلات در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای عملیاتی کردن تمایلات مشارکتی ضروریست. یکی از عوامل مؤثر بر تمایل به مشارکت در حوزه فعالیت‌های شهرداری در بین شهروندان منطقه چهار، انتظار آنان از دستیابی به پاداش در تمایلات مشارکتی است. بر این اساس هرچه تمایل به مشارکت بیشتر شود از آن سو بر میزان انتظار افراد مبنی بر کسب پاداش بیشتر از مشارکت افزایش می‌یابد. بنابراین برنامه‌ریزی در خصوص برآورده کردن انتظارات شهروندان در تأمین منافع حاصل از مشارکت آنان ضرورت دارد. بر این اساس به عنوان نمونه شهروندانی که محله برخوردار از نظر امکانات نداشته باشند نمی‌توان انتظار زیادی از مشارکت‌پذیری آنان و به تبع آن رفتارهای مشارکتی داشت.

با توجه به موضوع تأثیر عضویت شهروندان در نهادها، انجمن‌ها، گروه‌ها و تشکلهای بر تمایلات مشارکتی آنها در حوزه فعالیت‌های شهرداری و با در نظر گرفتن نهادهایی که شهروندان در آن عضویت دارند، فراهم نمودن زمینه و بستر برای تقویت این گونه نهادها و سازمان‌ها و نیز شکل‌گیری آنها و ارتقاء ارتباطات و تعامل شهرداری با این نهادها و سازمان‌ها و تلاش بیشتر در جهت جلب مشارکت آنها ضروری به نظر می‌رسد. سابقه زندگی در محله رابطه معناداری با مشارکت‌پذیری آنان نداشت لیکن افزایش این متغیر باعث افزایش علاقه و تمایل به محله شده $(r=0.17)$ و $(sig=0.00)$ و در نهایت بین علاقه و تمایل شهروندان به محله خود و میزان مشارکت‌پذیری آنها در حوزه فعالیت‌های شهرداری رابطه وجود دارد. از این رو سابقه سکونت در محله و علاقه و تمایل به محله متغیرهای تأثیرگذاری در برنامه‌ریزی جلب مشارکت شهروندان هستند.

از آنجا که عوامل مؤثر بر مشارکت‌پذیری برگرفته از مبانی نظری مشارکت هستند می‌توان اظهار کرد که داده‌های این تحقیق تا حد زیادی نظریات موجود را تأیید می‌کنند و به تبع آن می‌توان این اطمینان را حاصل

کرد که این عوامل و به طور کلی یافته‌های تحقیق را در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای جلب مشارکت شهروندان لحاظ و اعمال کرد؛ زیرا بر پایه‌های نظری متقن استوار هستند.

در پایان باید اظهار کرد که این تحقیق بعضی از عوامل مؤثر بر تمایلات مشارکتی را فقط در سطح خرد بررسی کرده است. برای ارائه راهکارهای عملیاتی نمودن تمایل شهروندان به مشارکت در حوزه فعالیت‌های شهرداری و جلب مشارکت آنان صرفاً مطالعه عوامل در سطح خرد کافی نبوده و لازم است عوامل سطح میانی (عوامل مرتبط با سازمان شهرداری و سایر نهادها) و کلان (کشوری مانند جایگاه مشارکت در قانون اساسی) نیز بررسی شوند^۱.

منابع و مأخذ

اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر. الغنمی، ام. ا. (۱۳۷۲)، «بحران فقر روستایی، آیا مشارکت می‌تواند آنرا از بین ببرد»، ترجمه ناصر اوکتابی، فصلنامه روستا و توسعه، شماره پنجم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات روستایی، وزارت جهاد سازندگی.

تامس، جری آر. و جک کی. نلسون (۱۳۸۶) روش تحقیق در تربیت بدنی، جلد اول، ترجمه رحمت اله صدیق سروستانی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

حکمت‌نیا، حسن و میرحسین موسوی (۱۳۸۵)، «تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران»، مجله تحقیقات جغرافیایی، بهار، ۲۱ (پیاپی ۸۰)، صص: ۱۲۱-۱۳۶.

د واس، دی. ای. (۱۳۸۳) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییب، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۲) کندوکاوها و پنداشته‌ها: مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ریتزر، جورج (۱۳۸۳)، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی.

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به گزارش‌های طرح در معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی شهرداری منطقه چهار تهران مراجعه شود.

- ساعی، علی (۱۳۸۱) تحلیل آماری در علوم اجتماعی، چاپ سوم، تهران: انتشارات کیان مهر.
- ساعی، علی (۱۳۸۶) روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت عقلانیت انتقادی)، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- سایت اداره کل آموزش و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران (shahrbandi.tehran.ir).
- سایت شهرداری منطقه ۴ تهران: www.region4.tehran.ir
- «شرح فعالیت معاونت‌های شهرداری»، تاریخ درج مطلب: (?)، تاریخ اخذ مطلب: ۱۳۸۸/۴/۲۰.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، تهران: انتشارات سمت.
- شهرداری منطقه ۴ تهران، معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی، واحد GIS، «نقشه‌های محلات ۲۰ گانه منطقه ۴ شهرداری تهران»، خرداد ماه ۱۳۸۸.
- طالب، مهدی (۱۳۷۶)، «مشارکت، شرط لازم دخالت در بافت‌های شهری»، مجموعه مقالات همایش بافت‌های شهری، مهرماه، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- طوسی، محمد علی (۱۳۷۰)، «مشارکت به چه معناست»، مدیریت دولتی، دوره جدید، شماره سیزدهم، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۷۹)، مشارکت در اداره امور شهرها: بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- علی بابایی، یحیی (۱۳۸۳) جزوه درسی کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- غفاری، غلامرضا و محسن نیازی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی مشارکت، چاپ اول، تهران: نشر نزدیک.
- کرلینجر، فرد و الازار پدهازر (۱۳۸۴) رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری، ترجمه حسن سرایی، چاپ اول، تهران انتشارات سمت.
- گروه مشاوران راهبرد فردا (۱۳۸۸)، طرح پژوهشی راهکارهای جلب مشارکت شهروندان در حوزه فعالیت شهرداری منطقه ۴ تهران، گزارش منتشر نشده، شهرداری منطقه ۴ تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی تهران.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵.
- معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران (۱۳۸۷) ارتقای سطح نظارت مردم از طریق سامانه ۱۸۸۸، مجموعه جزوات آموزش‌های شهروندی-۴، سرفصل‌های حوزه شهردار، ویراست اول.
- معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران (۱۳۸۷) طرح مطالبات مردمی از طریق سامانه ۱۳۷، مجموعه جزوات آموزش‌های شهروندی-۳، سرفصل‌های حوزه شهردار، ویراست اول.
- واعظ مهدوی، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۷)، راهنمای توانمندسازی شهروندان و محلات شهر برای ارتقای سلامت، چاپ دوم، تهران: نشر مهر راوش.
- Axelrod, M. (1950), "Urban Structure and Participation", American Sociological Review, Vol. 21, Issue 1, pp: 13-18.
- Colin, R. (1986), The Institutionalization of Participation in Development, in Participation in Development, Paris: unesco.
- Gaotri, H. (1986), Popular Participation in Development, in Participation in Development, Paris: unesco.
- Lerner, D. (1958), The Passing of Traditional Society Modernizing the Middle East, New York: Free Press.
- Molinas, j. (1998), "The Impact of Inequality, Gender, External Assistance and Social Capital on Local -Level Cooperation", World Development, Vol. 26, No. 3, Elsevier Science Ltd.
- Shepherd A. (1998), Sustainable Rural Development, London: Macmillan.
- Wilson, J. and K. Music (1997), work

and volunteering: the long arm of the job,
social forces. University North Carolina
press, chapel Hill, YC 842.

مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۳۱ بهار و تابستان ۹۲

No.31 Spring & Summer

■ ۱۷۳ ■

مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۳۱ بهار و تابستان ۹۲

No.31 Spring & Summer

■ ۱۷۴ ■